

اسرائیل بخزند و این اشتباه ادراکی اول است که دوستان مادر جهان عرب دارند؛ چرا که امنیت خریدنی نیست.

اشتباه ادراکی دوم که بین ما و عربها مشترک است و بیشتر در مسا وجود دارد تا عربها، این است که ما فکر می کنیم آمریکا می خواهد حضورش را در این منطقه گسترش دهد. در صورتی که آمریکا اولویت اولش این است که از خلیج فارس خارج شده و سیاست آمریکا رسماً انتقال مرکز ثقل حضور آمریکا به آسیا و حتی از آتلانتیک به پاسیفیک و از منطقه ما به بیرون منطقه ماست، این اشتباه تصور را، ما داریم. یکی از دلایل حرکت آمریکایی ها به سمت بگرام همین بود. برخی از ما خیال می کنیم به این علت که آمریکا قدر قدرت است بنابراین هر چه می خواهد، اتفاق می افتد. برخی از ما می گوئیم چرا آمریکا بگرام را پذیرفت، اگر به نفعش نبود که نمی پذیرفت. بنابراین اگر بگرام را پذیرفته یعنی ۱۰۰ درصد منافعی در بگرام تامین شده است. ما هیچ وقت در دنیا قدر قدرت نداشته ایم و در جهان سیال پساقطبی به هیچ وقت قدر قدرت نداریم. قدرت بزرگ داریم اما هژمون نداریم.

یکی از دلایلی که منفعت آمریکا ایجاب می کرد مشکل هسته ای را کاهش دهد این بود که می خواست حضورش را در منطقه کم کند. اشتباه ادراکی ما در اینجا است و عربها این را زودتر از ما فهمیده اند و یکی از دلایل مخالفت اعراب و اسرائیل با بگرام این بود که نمی خواستند حضور آمریکا در منطقه کمرنگ شود. ببینید اشتباه ادراکی چقدر می تواند بر سیاست تاثیر بگذارد و چقدر کتاب اهمیت دارد تا ما اشتباه ادراکی نداشته باشیم. این اشتباه ادراکی دوم است که الان آمریکا در حال برون سپاری امنیت منطقه به اسرائیل است و دوستان ما در حال عادی سازی با اسرائیل هستند. امنیت را خریداری کنند، در حال عادی سازی با اسرائیل هستند. این یکی از بزرگترین اشتباهات راهبردی کشورهای عربی است و بدانند هیچ گاه اسرائیل از آن ها نهن تنها حمایت نخواهد کرد بلکه قربانی هایی برای اسرائیل خواهند شد. همانطور که نگاه اسرائیل به آذربایجان و کردستان اینگونه است. سیاست اسرائیل هیچ گاه حمایت از کسی نبوده. بروید پیدا کنید از چه کسی حمایت کرده است و پای چه کسی ایستاده است؟ امروز هم که ربع پهلولی به سراغ اسرائیل رفته فراموش کرده که همان اسرائیلی که قصف کوروش را می گفت، از سال ۹۰ که به دشمن سازی جدید نیاز پیدا کرد، قصف کوروش و بابل را به قصه مردخای و استر و هامان و خشایار شاه تبدیل کرد. الان گفتمان حاکم در اسرائیل این است که ایرانی ها از ابتدای تاریخ به دنبال نابودی ما بودند. خیلی جالب است که یک قصه کوروش داشته ایم که حالا شد قصه هامان که قصه دروغی است و آنچه در عهد عتیق اتفاق می افتد درست بر عکس آن چیزی است که الان در سرزمین های اشغالی تبلیغ می کنند. این هم اشتباه دوم در مورد حضور و خروج آمریکا از منطقه و اینکه اسرائیل می تواند جایگزین آمریکا شود.

اشتباه ادراکی سوم که بیشتر به ما برمی گردد این است که فکر می کنیم اگر با چیزی مخالفت کردیم، آن چیز شکل نخواهد گرفت. یک فکری در بین ما به وجود آمده که یک کاری مشروعیت دارد یا خیر و ما فکر می کنیم به این علت که مرکز مشروعیت عالم هستیم. اگر به کاری مشروعیت ندادیم، آن کار شکل نمی گیرد و این اشتباه ادراکی بسیار بسیار خطرناکی است. در موضوع کاسپین زمانی فکر می کردیم اگر ما حضور پیدا نکنیم، اتفاقی نمی افتد اما دیدیم که بستر دریا را تقسیم کردند و تمام شد. حالا شما استدلال حقوقی هم داشته باشید، کدام دادگاه به شما گوش می دهد؟ بگیریم که دادگاه هم گوش کرد، کجا می خواهد حق شما را بدهد؟ تصور غلطی است که شما با عدم حضور می توانید مانع شکل گیری رخدادی شوید. عدم حضور ما در ترتیبات امنیت منطقه در خلیج فارس غلط است. به این علت که الان دو نگرش در کشور وجود دارد، یک نگرش این است که حضور ما در ترتیبات امنیتی باعث بسته شدن دست ایران در محیط قدرتش می شود. اما اشتباه آن ها این است که فکر می کنند با عدم حضور ما این ترتیبات شکل نمی گیرد. عدم حضور به معنای عدم شکل گیری ترتیبات امنیتی در خلیج فارس نیست بلکه به معنای حذف ما از ترتیبات امنیتی در خلیج فارس است.

عدم حضور در تصمیم گیری های منطقه ای به معنای جلوگیری از تصمیم منطقه ای نیست. مگر با عدم حضور در مذاکرات افغانستان توانستیم جلوی طالبان را بگیریم؟ در نهایت حذف شدید و منافعی ما هم حذف شد. در خصوص راه های مواصلاتی ما خیال می کنیم که خودمان اول و آخر دنیا راه های مواصلاتی هستیم. راه های مواصلاتی ما مهم هستند و بهترین راه مواصلاتی هم هستند اما تنها راه های مواصلاتی نیستند. وقتی شما راه خودت را بستی، با هزینه بیشتر راه دیگری را درست می کنی و وقتی هزینه کردند شما دیگر گزینه مورد نظر نخواهید بود. ما فکر می کنیم تنها کنشگر ما هستیم. بعضی وقت ها هم فکر می کنیم اسلانه اتون کنشگری نداریم و آمریکا ا قدر قدرت می دایم و بعضی مواقع هم از آن طرف با ما می افتیم و فکر می کنیم تنها کنشگر ما هستیم و ما اگر اراده کردیم و حضور پیدا نکردیم، طالبان در افغانستان نخواهد آمد و راه مواصلاتی شکل نمی گیرد و ما همه چیز را و تو خواهیم کرد. در دنیای کنونی آمریکا هم نمی تواند چیزی را و تو کند. مگر توانست در شورای امنیت با و تو کردنش جلوی مقاومت مردم غزه را بگیرد؟ همه می خواستند، آمریکا و اروپا می خواستند که مردم غزه نابود شوند، مگر شدند؟ جنگ اسرائیل و جنگ های اسرائیل با دولت های عربی ۶ روزه تمام شد اما جنگ اسرائیل با مردم غزه ۷ ماه است که ادامه پیدا کرده و اسرائیل پیروز نشده است. هر چند آمریکا و غرب و از دیبرکل ملل متحد تا همه کشورهای غربی می گفتند حماس باید نابود شود.

دنیا تغییر کرده است. آمریکا دیگر نمی تواند دنیا را و تو کند و تصمیم گیری را نمی تواند و تو کند و ما هم باید این موضوع را بفهمیم. البته اینجا دو نظر وجود دارد. هر چند از ابتدا ما طرح های

امنیت منطقه را دادیم اما یک گروهی هم هستند که می گویند نه! این طرح ها به ضرر ماست. مهمترین کاری که می توانستیم بعد از جنگ غزه نکنیم و فرش عادی سازی را از زیر پای افکار عمومی جهان عرب برای اسرائیل بکشیم، این بود که پیشنهاد توافق منع تجاوز به کشورهای منطقه می دادیم. می توانستیم این کنش اهریمن سازی از ایران و این کنش امنیتی سازی ایران و کنش ایران هراسی را در اوج نفرت جهان عرب از اسرائیل، ناکام کنیم. فکر نکنیم ما باید ترسناک باشیم. ترسناک بودن هدف اسرائیل درباره ایران است و این ها همه اشتباهات ادراکی است که با خواندن و گوش کردن اصلاح می شود. کتاب قرار است ذهن ما را باز کند و قرار است به ما بفهماند و ادراک ما را اصلاح کند. این ادراک ما که خیال می کنیم اگر ما در چیزی شرکت نکردیم، آن چیز شکل نمی گیرد، اشتباه است. آمریکا هم در دیوان بین المللی کیفری در اوج قدرتش شرکت نکرد اما دیوان بین المللی کیفری شکل گرفت. تصور نکنیم که اگر ما به FATF نرفتم، قوانین آن بر ما حاکم نخواهد شد. الان می بینیم همه بانک های ما مجبور به رعایت اف ای تی اف اما با هزینه ده برابر می هستند. این تصور که متنی اگر امضای ما پیش نباشد، من به آن متعهد نیستیم اشتباه ادراکی است و این اشتباه تنها با خواندن، گوش کردن و فکر کردن درست می شود و برای همین است که این کار، کار بسیار استراتژیکی

است. دنیای امروز و دنیای پساقطبی هر روز در حال عوض شدن است و ما هر روز باید فکرمان را نو کنیم و افکار پوسیده گذشته را کنار بگذاریم. باید تفکرات دوقطبی را کنار بگذاریم. لذا سه برداشت غلط خرید امنیت، تلاش آمریکا برای حضور در این منطقه و توان جلوگیری از شکل گیری ترتیبات امنیتی با عدم شرکت در مجامع، موجب می شود که این منطقه روی آرامش نیندازد. اگر این برداشتها اصلاح شود، کنش متقابل می باید کنشی در این منطقه شکل بگیرد و بتوانیم با هم گفتگو کنیم و نه مجادله، منطقه آرام خواهد شد. با گوش کردن است که می توانیم بفهمیم خیلی از انگاره های ما از جهان عرب غلط است. باید با نگرانی کنیم. خیلی از انگاره های ما در مورد نظم جهانی غلط است و ما باید با نگرانی کنیم. خیلی از انگاره های ما در مورد مردم خودمان هم غلط است.

و آخرین نکته این است که ما باید از نگاه تهدید محور به نگاه فرصت محور حرکت کنیم. همسایه های ما فرصت هستند هر چند خیلی به ما ظلم کردند و درست است که در طول تاریخ، ایران مورد حمله بوده. اما فراموش هم نکنیم که این یک فرصت هم بوده و هر که به ایران هجوم آورد رنگ ایرانی گرفته و ما رنگ آن ها را نگرقتیم. منطقه برای ما فرصت است و مردم ما برای ما فرصت هستند نه تهدید و شما باید به فرصت امکان بالندگی بدهید نه اینکه محدودش کنید.

نگاه دیپلمات ۲

ارزیابی محمد مسجد جامعی از رویکرد توسعه گرادر کشورهای حاشیه خلیج فارس

درک ما از اعراب قدیمی شده است

مجموعه حاشیه خلیج فارس به نوعی سخنگوی اعراب شدند. به طور خلاصه می خواهم بگویم که این کشورها در حال حاضر بخشی از دنیای عرب و بخش کنونی دنیای عرب هستند. مسئله بعدی این است که درک این ها از جهان، از خودشان و از منطقه نسبتاً مشترک است. در حال حاضر در سال ۲۰۲۴ و در طی ۷۰ سال کشف نفت، این درک فوق العاده لایه به لایه شده و تحول پیدا کرده در حالی که تصور ما از این کشورها بسیار قدیمی است. اینکه این درک در مقاطع مختلف چگونه بوده البته بحث دیگری است.

موضوع این است که در حال حاضر این ها در چه وضعیتی هستند. خلاصه اش این است که این ها ۴ مرحله مختلف دارند. یکی مرحله پیش از کشف نفت است که جامعه بدوی و اولیه است و بعد کشف نفت که در دهه ۵۰ است تا اواسط دهه ۹۰ خیلی ثروتمند می شوند اما تصورشان این است که ثروت فضل خداوند است و باید از زندگی لذت ببریم و مشکلات امنیتی را با پول دادن از سر بگذرانیم. تقریباً به مدت ۳۰ سال هدف این بود که از پول به دست آمده لذت ببرند و با مشکلات مواجه نشوند. اما در اواسط دهه ۹۰ که تحول از قطر شروع می شود و پدیر امیر موجود کنار می رود و این امیر جدید، مدل جدیدی را ایجاد می کند و می گوید ما می خواهیم آن حالت قبلی که در آن از نژاد بودیم و هدف مان فقط لذت بردن از زندگی بود را کنار بگذاریم و به عنوان کشور میانجی وارد جهان شویم. درک اعراب حاشیه خلیج فارس هم تغییر کرد. در این مقطع قطر سعی می کند زیرساخت های لازم را برای این هدف یعنی فرودگاه، دانشگاه، هتل و سالن کنفرانس و غیره ایجاد کند. همچنین سعی می کند کشوری باشد که وارد صحنه می شود و اقدامات مختلفی انجام دهد. این جریان، از سال ۲۰۰۰ به بعد عملاً مدل و الگوی همه شیخ نشین ها می شود و به خصوص مدل عربستان، امارات و کویت.

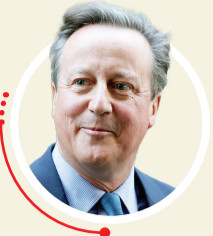
این جریان نتایج مختلفی داشته و مرتبه فعلی که حالا در آن هستند هدش این است که برای توسعه خودش برنامه ریزی کنند و الان برنامه های توسعه کشوری مثل عمان که کشوری منزوی و متفاوت است، موجب تعجب شده و این مرحله توسعه مداری است. در بین این های یک کشور حالت چموشی دارد که آن امارات است و مسئله اش فقط توسعه نیست و جهت کسب اعتبار، می خواهد در حوزه های مختلف دخالت کند. آنچه به این جریان کمک می کند مسئله جنگ اوکراین است. روابط بین الملل به واسطه جنگ اوکراین متحول شد. مسئله مهم در این منطقه این است که در جنگ اوکراین هدف اصلی غرب تنها زدن روسیه نیست بلکه زدن چین به عنوان رقیب بزرگ است. بنابراین شکست روسیه در این جنگ به معنی شکست چین است و لذا در این داستان جنگ اوکراین، یک مرتبه موضوع روسیه مطرح شد و مسئله انرژی اهمیت زیادی پیدا کرد و گاز روسیه به اروپا قطع شد. به طور خلاصه این جنگ به طور طبیعی روسیه و چین را بالا آورد و آمریکا هم حضور داشت و مسئله انرژی هم پیش آمد و کشورهای حاشیه خلیج فارس در این میان یاد گرفتند چگونه با این سه کشور بازی کنند. درست است که دولت ها متفاوت هستند اما این شیخ نشین ها به خصوص عربستان دارای اهرم هایی هستند که به آمریکا فشار می آورند. شما مذاکرات آمریکایی ها را با شیخ نشین ها و عربستان پس از جنگ اوکراین ببینید که نوع آن با دور پیشین فرق می کند.

وقتی می گوئیم مطالعه ژئوپلیتیکی، یعنی همه عناصر سیاسی، مذهبی و اقتصادی؛ و وقتی موضوعی را با توجه به تمامی ابعادی که آن جریان را شکل می دهد، در نظر می گیرید، در واقع در حال مطالعه ژئوپلیتیک هستید. وقتی مجموعه ای را در نظر می گیرید و برای هر کدام سهم متناسب و مشخص قائل می شوید، این یعنی مطالعات ژئوپلیتیک. آنچه در خصوص شیخ نشینان و عربستان خواهم گفت، از این نگاه است.

این شش کشور شورای همکاری خلیج فارس به رغم اختلافات، تفاوت ها و مسائل مرزی و روش های سیاسی مختلفی که دارند، با هم هماهنگی دارند و از همه مهمتر اینکه دیگران به این مجموعه به یک شکل نگاه می کنند و به معنای واقعی کلمه منافع مشترک دارند. به یاد دارید که عربستان، امارات و بحرین، قطر را به شدت تحریم کردند. اما مواردی که منجر به تحریم قطر بود را نتوانستند ادامه دهند و بیش از قطر، خودشان مشکل پیدا کردند چرا که این ها یک خانواده هستند و در مقایسه با سایر اتحادیه ها، یکی از محکم ترین ها و منسجم ترین ها هستند. تقریباً مجموعه ای واحد است که ساختار قبیله ای، اجتماعی و تاریخی و حضور سنگین انگلیس در قرون ۱۹ و ۲۰ منجر شده که در حال حاضر به یک مجموعه نسبتاً واحد تبدیل شوند. گذار موفق این کشورها بعد از پیدایش ثروت نفتی است که در خصوص لیبی و عراق یکی از عوامل مؤثر در هم پاشیدگی کشور شد. اما این مسئله شیخ نشین ها و عربستان چو چندان در چرا که ساختار قبیله ای خود را حفظ کرده اند. اینکه این ثروت نفتی به صورت سنگین مصرف شد و یک ثروت مترك در مدت کوتاه به جامعه بدوی تزریق شد اما تمامیت کشور حفظ شد، مسئله مهمی است. نکته بعدی این است که هیچ تحول رادیکالی در این کشورها که منجر به تغییر نظام حاکم باشد در یک کشور به تغییر منجر نخواهد شد و «یا همه یا یکی» است. حتی در زمان ناآرامی های بحرین گفتیم که به اسقاط نظام منجر نخواهد شد. نکته بعدی این است که تحول در این کشورها از بالا به پایین است. در عموم کشورهای جهان سوم مردم، حاکمان را مجبور به تغییر می کنند اما در این کشورها به دلایل تاریخی، قبیله ای سنتی و دینی که عموماً گرایش حنبلی دارند و در چار چوب این فقه، مقابله با نظام حاکم حرام است، در نتیجه تحولات در این کشورها از بالا به پایین است. نکته پنجم نیز نگاه این کشورها به ایران به عنوان یک کشور یا یک نظام، یک دیدگاه نسبتاً مشترکی است. ممکن است برخی متفاوت سخن بگویند اما در باطن نگاه شان به کشور ایران و نظام ایران در نهایت یک تلقی واحد است.

نکته بعدی این است که این کشورها بخشی از جهان عرب هستند. ما در حدود ۴۵۰ تا ۵۰۰ میلیون عرب داریم. لذا مسئله این است که این مجموعه عربی به ویژه در ۱۰ سال اخیر یکی سلسله متحوالات دینی سنگینی را تجربه کرده و در سال ۲۰۲۴ در جهان عرب در مقایسه با سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۲ و آغاز بهار عربی به معنای واقعی کلمه در متن جامعه تحولات جدی اتفاق افتاده است و این ها در حال حاضر عملاً مهمترین بخش جهان عرب هستند. در زمان جمال عبدالناصر، مرکز جهان عرب، مصر بود و حتی بعد از جنگ سال ۱۹۶۷، آن حالت کاریزماتیک ناصر ادامه پیدا کرد. در زمان انورسادات و امضای توافق کمپ دیوید، مصر دچار مشکل شد و بعد در زمان مبارک باز هم مرکز جهان عرب، قاهره بود. بعد از داستان بهار عربی و بعد از آمدن عبدالفتاح سیسی این

دیپلمات ها



مخالفت دیوید کامرون با قرار گرفتن سپاه در لیست تروریستی اروپا

وزیر امور خارجه انگلیس با هشداری درباره پیامدهای قرار دادن نام سپاه پاسداران در فهرست تروریستی این کشور برای روابط دیپلماتیک لندن با تهران، گفت که این اقدام به نفع انگلیس نیست. آمریکا نام سپاه پاسداران را در فهرست تروریستی خود قرار داده است اما موضوع انجام شدن این اقدام علیه یکی از شاخه های رسمی نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران توسط کشورهای اروپایی، طی دو سال گذشته و در پی مداخله جوی مقامات غربی در امور داخلی ایران با ادعای «نقض حقوق بشر» در ایران نیز مطرح شد. جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در این باره گفته بود که «نمی توانیم بگوئیم چون از شما خوش مان نمی آید، تروریست می خوانیمتان» و با تاکید بر وجود مبنایی قانونی برای این اقدام، گفت که «باید حکم یک دادگاه در این زمینه وجود داشته باشد.» شبکه اسکای نیوز در این باره گزارش داد: کامرون با حضور در کمیته دفاعی و روابط خارجی مجلس اعیان انگلیس گفت که تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران ایران ضرورتی ندارد و وضعیت فعلی که کلیت این گروه در آن تحت تحریم است، کفایت می کند. کامرون به این کمیته گفت: تمامی کارهایی که باید برای فشار آوردن به ایران انجام دهیم و با آن اطمینان داشته باشیم که هر جایی که اقدامی غیرقانونی انجام دادند، علیه آن ها اقدام کنیم، به واسطه مقررات تحریمی ای که آن را تقویت کرده ایم، پابرجا است. او گفت: ما کلیت سپاه پاسداران ایران را تحریم کرده ایم. وقتی از نهادهای قضایی، پلیس و اطلاعاتی می پرسیم که آیا این کار اضافی برای اقدام علیه این افراد هنگام انجام دادن کارهایی که مورد تاییدمان نیست، نیاز است یا نه، پاسخ شان منفی است. وزیر امور خارجه انگلیس با هشداری درباره پیامدهای این اقدام برای روابط دیپلماتیک ایران و انگلیس گفت: در واقع، این نوع محکومیت باعث پایان دادن به روابط دیپلماتیک خواهد شد و این در حالی است که ما همین حالا هم روابط دیپلماتیک مختصری داریم و من به عنوان کسی که مکالمات زیادی با وزیر امور خارجه ایران داشته ام، می گویم که ما الان واقعاً امکان داشتن این مکالمه را داریم. او ادامه داد: وقتی قرار است برای گسترش درگیری ها تلاش کنیم، وقتی قرار است پیام مستقیمی به ایران منتقل کنیم، می خواهم خودم کسی باشم که این مکالمه را انجام می دهد. نمی خواهم به همتهای فرانسوی از رنگ بزنم و بگویم «امکن است این پیام را به ایرانی ها منتقل کنی؟» کامرون گفت: فکر می کنم این به نفع بریتانیا نیست و باعث تقویت رویکردمان نمی شود، بلکه آن را تضعیف می کند.



گروسی به ایران می آید

آژانس بین المللی انرژی اتمی به یک خبرگزاری روسی اعلام کرد که مدیرکل این نهاد بین المللی طی هفته اتی به ایران سفر می کند. آژانس بین المللی انرژی اتمی گفت که «رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی ایران از ۶ تا ۷ ماه مه (۱۷ تا ۱۸ اردیبهشت) برای دیدار با مقامات بلندپایه ایرانی به ایران سفر می کند. خبرگزاری اسپوتنیک در این باره گزارش داد که این نهاد بین المللی به این خبرگزاری گفت: ما تایید می کنیم که رافائل گروسی، مدیرکل از ۶ تا ۷ مه برای دیدار با مقامات رسمی ارشد ایران به این کشور سفر می کند. پیش از این «بهرروز کمالوندی» سخنگو و معاون امور بین الملل، حقوقی و مجلس سازمان انرژی اتمی اعلام کرده بود، در سفر گروسی، مقامات آژانس بین المللی انرژی اتمی و سازمان انرژی اتمی ایران درباره موضوعات فی مابین مذاکره می کنند. به گفته وی، مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی برای شرکت در اولین کنفرانس بین المللی هسته ای ایران که ۱۷ تا ۱۹ اردیبهشت در اصفهان برگزار می شود به ایران می آید. گروسی علاوه بر شرکت در این کنفرانس با مقامات ایران در تهران و اصفهان نیز دیدار می کند.

